

ریخت و پاش و سبب به وجود آمدن فرهنگ نظم و دقت به جای بی بند وباری و ولنگاری و سهل انگاری می گردد. اگر پرسیده شود که آیا سرمایه داری ملی امروز وجود دارد، این جانب سؤال کننده محترم را به شهرکهای صنعتی

حول شهرهای بزرگ و کوچک که پس از انقلاب بسیار توسعه یافته اند، ارجاع می دهم. صنایعی کوچک اما کم و بیش ملی و در بعضی شرایط کاملاً ملی. در شماره بعد به ادامه بحث تحت عنوان "چالشهای موجود در برابر سرمایه داری ملی" می پردازیم.

رهبری دولت ملی و نظارت، سیاستگذاری و برنامه ریزی آن امکان پذیر می گردد و

شبکه بانکی برای وامهای با سهولت، تأمین آب و برق و زمین در برابر بهای عادلانه بود. ضوابط ۶ تا ۱۰ ضوابط پیشنهادی اینجانب است. تحقق تمامی این ضوابط در گرو حاکمیت دولتی ملی و خادم منافع و مصالح ملی و هوشیار و آگاه است. یعنی بورژوازی ملی در صورت تحقق دولت ملی ممکن است، در غیر این صورت ضوابط فوق، علی رغم تعهد اولیه به اجرا و تحقق دزمنی آیند.

تمام ضوابط فوق، در هر دوره یا هر برنامه پنج ساله توسعه و عمران، می توانند حسب شرایط و اولویتهای ملی و پیشرفت و توان صنعتی کشور، تغییر و تحول یابند. بدین ترتیب، کیفیت سرمایه گذاری صنعتی ملی و تکوین بورژوازی ملی در پرتو

**اگر پرسیده شود که آیا سرمایه داری ملی امروز وجود دارد، این جانب سؤال کننده محترم را به شهرکهای صنعتی حول شهرهای بزرگ و کوچک که پس از انقلاب بسیار توسعه یافته اند، ارجاع می دهم. صنایعی کوچک اما کم و بیش ملی و در بعضی شرایط کاملاً ملی.**

کاملاً از شخص یا اشخاص سرمایه گذار مستقل است.

با این ضوابط، سرمایه داری ملی ضمن تکوین و تکامل خود، نگرهبان عینی استقلال اقتصادی و سیاسی و توسعه و ترقی کشور و عامل گسترش فرهنگ کار، کوشش و تولید، در برابر ذهنیت مصرف و

## سرمایه داری ملی و حاکمیت سیاسی

نویسنده: عبدالله محسن

مجله مضمون چشم انداز ایران

در ارتباط با نامه آقای مهندس عزت الله سبای به آقای رییس جمهور، با این مضمون که رشد سرمایه داری ملی، تضمینی برای جامعه مدنی است توضیح یک نکته ضروری است. سرمایه ذاتاً برای حفظ خود به نقاط ایمن کوچ می کند و صاحب خود را برنبال می کشد و در واقع سرمایه دار خود اسیر سرمایه فویش است و این معوم به رینامیزم درونی سرمایه مرتبط می باشد. لیکن سخن اینجاست که در کجا امنیت برای او وجود دارد؟ مهمترین ویژگی منطقه امن برای سرمایه، جایی است که نمایندگانش در قدرت سیاسی شرکت مستقیم داشته باشند و این امر در مورد هر نیروی اجتماعی نیز صادق است. اگر جنایی در قدرت سیاسی سهیم نباشد، اساس امنیت نکرده و مدام این اضطراب در او وجود خواهد داشت که میاردا بطور فیزیکی یا غیر فیزیکی حذف گردد. لذا برای هر نیروی اجتماعی، امنیت وقتی مفهوم دارد که خود در به وجود آمدن آن امنیت مشارکت داشته باشد. یعنی اینکه در قدرت سیاسی جامعه شریک بوده و در نهادش حضور مستقیم داشته باشد. اگرچه سرمایه های کوچک و متوسط بخش فصولی در دوره مناسبات اجتماعی کم و بیش توانسته با استفاده از امکانات دولتی خود را تثبیت نماید، ولیکن بریل اینکه شرکتی در قدرت سیاسی نداشته، عملاً همواره به آینده فویش با نظر ترزید نگریسته است. در این میان سرمایه های کلان نیز که جای پای مملک برای خود نمی یافتند و در صحنه اجتماعی و نیز رسانه های همگانی خود را در پروژه های بلندمدت تولیدی درگیر نکرده و تنها در حوزه تجارت از آب گل آلود، ماهی می گرفتند. بر این اساس، اگر سرمایه را بپذیریم می بایستی شرایط آن را که از رینامیزم درونی آن نشات می گیرد نیز بپذیریم وگرنه تمام ستان و تلاشها و کارشناسی ها و برنامه ریزیها در زمینه جلب سرمایه های کلان بخش فصولی، چه داخلی و چه خارجی، آب در

**سرمایه داری ملی و حاکمیت سیاسی**

هاون کوبیدن است. مقوله شرکت این طبقه در قدرت سیاسی، با فلسفه حکومت، فلسفه اقتصاد و فلسفه سیاست برخوردار دارد و

مشکلی نیست که با صرف کارشناسی و برنامه ریزی تکنوکراتها حل و فصل شود و به زبان ریاضی، نقطه عطفی است که شیب منفی حرکت در آن نقطه تغییر می کند. در صورت پذیرش روند شرکت سرمایه داری در حاکمیت سیاسی، این بربره یک نقطه عطف مقدماتی و در عین حال بنیانی است که ملزومات ریکتری را طلب می کند و ولایم حتی تغییر فرهنگ سیاسی و اجتماعی را می طلبد. مسؤولین مضمون نظام بیای بهت در مواشی قضیه می باید به این نکته اساسی عنایت کنند که آیا در بافت کنونی ما، امکان شرکت دادن مستقیم جریان سرمایه داری ملی در قدرت وجود دارد یا نه؟ به نظر می رسد اجرای قانون و حتی ایضاً امزایب، اگرچه در شرایط کنونی یک ضرورت تاریخی است، اما بیرون بازنگری در فلسفه سیاسی، راه را برای حل و فصل این معضل نفاهر کشور.